

دعوت مردی که راست می گفت (مباهله)

اعتبار سند: اولویت ۱

تطبیق متن با سند: اولویت ۲

اسناد و مدارک متون

الإرشاد للمفید / ترجمه ساعدی / ۱۵۳ / فصل - ۴۸ مباهله با نصاری

فصل - ۴۸ مباهله با نصاری

پس از آنکه پیغمبر اکرم ص بفتح مکّه و سایر غزوات موفق گردید و سلطنت الهی او زیانزد دوست و دشمن آشنا و بیگانه شد از اطراف و اکنان دستجات مختلف بعنوان دیدار وی می شتافتند برخی بشرف اسلام مشرف می شدند و برخی مجاز بودند با کمال امن و آسایش بمحل خود بازگردند و از جمله کسانی که بملاقات آن حضرت مشرف شد ابو حارثه کشیش نصرانیان بود که به اتفاق سی نفر از مسیحیان از قبیل عاقب و سید و عبد المسیح حضور یافت هنگام نماز عصر وارد مدینه شدند مسیحیان لباس دیبا پوشیده و صلیب انداخته بودند یهود که از آمدنشان اطلاع یافتند نزد آنها آمده و با يك دیگر به صحبت پرداختند نصاری آنها را ناچیز و یهودیان آنها را بی اعتبار میدانستند و در همین باره خدای متعال این آیه را فرستاد **وَقَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصَارَى عَلَى شَيْءٍ وَ قَالَتِ النَّصَارَى لَيْسَتِ الْيَهُودُ عَلَى شَيْءٍ (۱)** یهود گفت نصاری بر پایه حقی استوار نمی باشد و نصاری گفت یهود بر میزان صحیحی استقرار ندارد.

رسول خدا ص هنگامی که نماز عصر را بانجام آورد مسیحیان بطرف او متوجه شده کشیش آنان پیش آمده عرضه داشت عقیده شما در باره مسیح چیست؟ رسول خدا ص فرمود: مسیح بنده خدا بوده که خدا او را از میان خلق بعنوان رهبری گمشدگان برگزیده.

کشیش گفت پدری برای او سراغ داری که ویرا بدین عالم آورده باشد؟ رسول خدا ص فرمود مادر او شوهر نکرده بود تا پدری داشته باشد.

کشیش گفت بنا بر این چگونه می گوئی مسیح بنده و مخلوق است با آنکه تمام بندگان که مخلوقند پدری دارند که مادرشان بعنوان نکاح با وی همخوانی کرده و فرزند از او بوجود آمده.

خدای متعال آیاتی از سوره آل عمران فروفرستاد تا آنجا که می فرماید **إِنَّ مَثَلَ عِيسَى عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُنْ مِنَ الْمُمْتَرِينَ فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا**

وَأَنْبَاءُكُمْ وَنِسَاءَنَا وَأَنْفُسُكُمْ وَأَنْفُسُكُمْ ثُمَّ نَبْتَلُكُمْ فَنَجْعَلُ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ، همانا حکایت آفرینش عیسی مانند پیش آمد آفرینش آدم است که او را خدا از خاک آفریده و فرمود موجود باش او هم موجود می شود حق با کردگارتست مبادا شك آوری پس اگر کسی در باره آفرینش عیسی با تو گفتگو کند بعد از آنکه حقانیت برای تو بمرحله ثبوت رسیده بگو بیائید فرزندان خود و شما و زنهای خود و نفسهای خود را بخوانیم و بمباهله پردازیم و نفرین خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.

رسول خدا این آیات را بر مسیحیان تلاوت کرد و آنها را بمباهله دعوت نمود و فرمود خدای متعال خبر داده پس از انجام مراسم مباهله هر يك از طرفین که باطل باشند معذب شوند و بدین وسیله حق از باطل آشکار گردد.

اسقف با عبد المسيح و عاقب در خصوص **مباهله** مشورت کرد و بالاخره تا فردا مهلت طلبیدند نام- بردگان هنگامی که بمحل خود برگشتند گفتند فردا که خواستیم با محمد مباهله کنیم متوجه باشید هر گاه او با زن و فرزندش برای مباهله آمد مباهله نکنید و اگر با یاران و اصحابش حضور یافت بمباهله پردازید و بدانید که برحق نیست فردا پیغمبر ص دست علی ع را گرفته و پیشاپیش او حسنین و در عقب سر او فاطمه زهرا ع حرکت می کرد با این حال بمباهله آمد و نصاری هم با ابو **حارثه** که مقدم دیگران بود برای مباهله حضور یافتند اسقف که محمد را با خاندان وی دید پرسید این عده که با او هستند کیانند و با وی چه نسبتی دارند گفتند آن مرد پسر عمش علی بن ابی طالب داماد و پدر دو فرزندش می باشد و از همه محبوبتر در نزد اوست و این دو طفل دو فرزند دخترش و پدرشان علی است و آن دو نیز محبوبترین افراد نزد ویند و این زن دخترش فاطمه ع که از همه عزیزتر و نزدیکتر بوی اند.

اسقف پس از معرفی يك يك آنها بطرف عاقب و سید و عبد المسيح متوجه شده و گفت به بینید محمد فرزند و نزدیکانش را که مخصوصان ویند همراه خود برای مباهله آورده و اطمینان بحقانیت خود دارد سوگند بخدا هر گاه میدانست حقیقتی ندارد این عده از نزدیکانش را بمباهله حاضر نمی کرد که نابود شوند اکنون از مباهله با او خودداری کنید سوگند بخدا اگر موقعیت قیصر و توجه او بمن نبود بدست او اسلام می آوردم صلاح در این است و بطوری که ممکن است با وی مصالحه کرده و اتفاق نمائید و بشهرهای خود برگردید و به آسودگی زیست کنید یاران وی گفتند ما از خود رأیی نداریم و از خواسته تو پیروی می کنیم.

اسقف پس از این بطرف رسول خدا ص متوجه شده عرضه داشت ای ابو القاسم ما با تو مباهله نمی- کنیم و بمصالحه می گذرانیم اکنون شما هم بطوری که از عهده ما برآید مصالحه کن.

رسول خدا ص برای مصالحه آماده شده و مقرر داشت بعنوان مصالحه دو هزار حله از حلهای اواقی که بهاء هر يك چهل درهم بدون کم و زیاد باشد پردازند و ضمناً مصالحه خط را باین طریق مرقوم داشت.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ این مصالحه خطی است که محمد رسول خدا ص در باره هر سفید و زرد (درهم و دینار) و بهره‌های زرعی و بندگان با نصرانیان نجران و اطراف آن نوشته و مقرر داشته که از آنان در برابر صلحی که برقرار شده بغیر از دو هزار حله از حلهای اواقی که بهاء هر حله چهل درهم باشد بیشتر نگیرند و زیاد و نقیصه آن را بحساب چهل درهم بیاورند باین طریق هزار حله آن را در ماه صفر و هزار حله دیگر را در ماه رجب پردازند و نیز معلوم شده چهل دینار برای منزلگاه رسولش معین کنند و هر حادثه‌ای که در یمن اتفاق افتد سی زره و سی اسب و سی شتر عاریه مضمونه بدهند و بدین وسیله جوار خدا و ذمه محمد را در نظر بگیرند و اضافه کرد از این پس هر کدام از ذمیها رباخواری نمایند در ذمه من نخواهند بود.

این صلحنامه با قرارداد مزبور پایان رسیده امضاء شد و نصرانیان آن را گرفتند و برگشتند.